

بزرگ‌ترین بر زبان و لب خاموش

دیوار نوشته‌های کنیف شرم آور!



خسرو معتقد

روزنامه‌نگار ومورخ

حسرت‌م را برانگیخت. در تصاویر قدیمی مربوط به رامسر، نوشهر، بابلسر و آبادان دیوارها کاملاً سفید و پاکیزه‌اند. نمی‌دانم چه بلایی نازل شد که در این کشور دیوارنویسی متداول شد. فکر می‌کنم اولین شعارهای زنده باد و مرده‌باد و «بانگی گو هوم» از زمان مرحوم مصدق آغاز شد و دیوارها به انواع شعارها مزین شد، اما چند سالی گذشت و به جای زنده باد و مرده‌باد جملات باز کردن فاضلاب و چاه مستراح تمام دیوارهای سفید و گچکاری شده مملکت را پوشاند.

در هیچ یک از ۱۱ کشور دنیا که بره‌نم، دیده‌ام، ندیده‌ام کسی جرئت کند روی دیوار سفید شهرها یا دیوار خانه مردم و حتی روی دیوار ساختمان‌ها با آن قلم رنگ درشت و با آن خط‌نوشت بی‌ریخت، آگهی فاضلاب و باز کردن آن یا مکانیکی یا انواع آگهی‌ها را بنویسند. خانه یا مجموعه ساختمانی ساخته می‌شود، هنوز خریداران در آپارتمان‌ها جا خوش نکرده‌اند که روی در پارکینگ، روی در اصلی خانه و هر جا که بتوان آگهی چسبی چسباند، ردیف به ردیف لوله‌باز کنی چسباند می‌شود. در به کلی کنیف و ضایع می‌شود. این تجاوز علنی و وقیحانه به ملک مردم است. من نمی‌دانم چند میلیون بازکننده‌فاضلاب و چاه توالت در کشور داریم، فکر می‌کنم یک صنف ۲ میلیون نفری هست.

به جاده‌های شمال که بروید، هیچ دیواری را راحت نگذاشته‌اند. هر کس دکائی، بساطی، جگرکی، نانوائی، کبابی، باز کردن صفحه کلاچ، تجهیزات اتومبیل داره، هر کس هر شغل و پیشه‌ای دارد به خود حق می‌دهد یا زنده‌ترین و پاک‌کیف‌ترین رنگ‌ها، دیوار مردم را مزین بکنند. انسان وسط یک جاده که دور آن مزرعه، کشتزار، مرغ، گندم‌زار، برنجزار است، رانندگی می‌کند. یک لحظه خطوط درشت فاضلاب، مستراح، توالت، بازکننده چاه آبریزگاه نگاهش را رها نمی‌کند، مثل کنه جلوی چشمش چسبیده‌است. نمی‌دانم این شهرداران چه کار می‌کنند؟ صیغها گشتی در شهرها می‌زنند که آیا زیبایی معابر مدنظرشان است. باور کنید حالت اشتمنز از آدم دست می‌دهد که هیچ دیواری را سالم و تمیز نمی‌گذارند.

آیا شهرداری‌ها نمی‌توانند کسانی را که برای کار و کسب خود با این دیوارنوشته‌ها شهرها را زشت می‌کنند، جریمه کنند؟ آیا کسی می‌تواند روی آثار باستانی یونان و رم آگهی گذایش فاضلاب و مستراح بنویسد. شنیدم روی پل‌های اصفهان، قبر کوروش، آثار تخت‌جمشید هم یاد کاری می‌نویسند. این چه آموزش و پرورش‌ی است که این بدبهاات را از کودکی به دانش آموزان نمی‌آموزاند؟

جمهوری‌های آذربایجان، باکو، ارمنستان، گرجستان، آناز

باستانی و تاریخی محدود و محدودی دارند. نمی‌دانید چقدر با

تعصب و علاقه‌ا از آنها نگهداری می‌کنند. نمی‌دانید هندی‌ها چه

اهتمامی برای حفظ آثار باستانی و معابر خود دارند.

من از این دیوارنویسی‌های آگهی نفرت عجیبی دارم. هفته‌ای یک بار سرپادیر ساختمانی برحسب‌های فاضلاب و زرم‌مار و آشغال را با پاک گرم می‌شوید و پاک می‌کند. روز بعد دیواره می‌چسباند، وقیح، پررووی اغتشا هستند. در لندن سال‌ها پیش دیدم شخصی به زبان فارسی شعر و فحش نوشته است. معلوم شد این رسم پسندیده از ایران به آنجا رفته که روی دیوار ترن زیرزمینی شعار مرگ بر این و آن می‌نویسند و سعی دارند این ابتکار را به آنجا هم انتقال دهند.

خیلی خجالت کشیدم که چرا مساحق و حقوق خودمان را بر سر نشانسیم. عموماً در حق هم می‌کنیم و اگر زورمان برسد

سر مدیگر را هم می‌کنیم.

به این انجمن شهر که ادعای اصلاح‌طلبی دارد، پیشنهاد می‌کنم در زمره اولین کارهایی که پی می‌گیرد، قانون منع خط‌نویسی روی دیوارها و اماکن مردم باشد. نقد نمی‌کنم، هر جا که کسی بخواهد شمار تجاری بنویسد، باید از شهرداری مجوز بگیرد و شهرداری باید مکان‌های مشخصی را برای شمارنویسی تخصیص دهد.

من امتحان کرده‌ام، گاهی به یکی از مؤسساتی که برحسب آگهی می‌چسباندند، روی شماره تلفنی که داده‌اند، رنگ می‌زنم و تهدید به شکایت می‌کنم، دیگر سر و کله‌شان پیدا نمی‌شود. چون شهر را باوصاحب می‌دانند، این تخلفات را انجام می‌دهند. اگر شهرداران ناحیه و منطقه در تمام شهرهای ایران این نوع مزاحمت‌ها را پیگیری کنند و شهرداری به این شرکت‌ها و کارگاه‌ها تلفن بزنند و تخلف‌شان را یادآوری کند، مسلماً در آینده دیوارهای شهر و سایر شهرها این‌سان زشت و بد هیبت و احمقانه نخواهد شد.



روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
صاحب امتیاز: پیام‌آوران نشر روز
مدیرعامل و مدیر مسئول: عبدالله گنجی
سر‌دبیر: غلام‌رضا صدیقیان
آدرس: تهران، خیابان شهید مطهری
تقاطع میزرای شیرازی، پلاک ۲۸۴
سازمان آگهی‌ها: ۸۸۴۹۸۴۷۳
روابط عمومی: ۸۸۴۹۸۴۴۸
نمابر: ۶-۸۸۴۵۶۳۴۴
توزیع: شرکت نشر گستر امروز ۷۷-۷۶-۸۸۴۹۸۴۷۵
چاپ تهران: چاپخانه روزنامه جوان
www.javanonline.ir

| روزنامه جوان | شماره ۵۷۵۴ | ۱۸ آذر ۱۳۹۶ | ۲۰ ربیع‌الاول ۱۴۳۹ | اذان ظهر: ۱۱:۵۶ | غروب آفتاب: ۱۷:۵۰ | مغرب: ۱۷:۱۱ | نیمه‌شب شرعی: ۲۳:۱۲ | اذان‌صبح فردا: ۵:۲۳ | طلوع آفتاب فردا: ۷:۰۲ |

گفت‌وگوی «جوان» با سعید مستغاثی

درباره زمینه‌چینی هالیوود برای اعلام یهودی‌سازی قدس

هالیوود قبل از ترامپ قدس را به صهیونیست‌ها بخشیده بود



محمد صادقی

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور امریکا دستور انتقال سفارت این کشور در سرزمین‌های اشغالی را از تل‌آویو به قدس داد و با این کار به طرح انتقال پایتخت رژیم صهیونیستی به بیت‌المقدس، و چپه بین‌المللی بخشید، اقدامی که واکنش‌های متعددی را در جهان به وجود آورده است. از آنجایی که دولت امریکا پیش از اقدامات سیاسی و حتی جنگ با استفاده از ابزار فرهنگی اقدام به زمینه‌چینی و آماده‌سازی افکار عمومی جهان برای پذیرفتن اقداماتش می‌کند، با سعید مستغاثی، کارشناس و پژوهشگر سینما درباره رفتارهای هالیوود بررسی‌عبری جلوه‌دادن قدس و ادعاهای ارض موعود بودن فلسطین که صهیونیست‌ها مدعی آن هستند گفت و گو کرده‌ایم.

به نظر می‌رسد دستوری که به تاریخ، رئیس‌جمهور امریکا برای دستگاه دیپلماسی این کشور جهت رسمیت بخشیدن به ادعاهای صهیونیست‌ها، صادر کرده‌است، چندین دهه قبل به نحو دیگری برای سینمای این کشور صادر شده بود و آنها به دنبال آرمان‌های صهیونیست‌ها بودند.

سال‌هاست که سینمای غرب و به‌طور مشخص هالیوود تلاش کرده‌است تااعطایی مانند سرزمین موعود بودن فلسطین را در بسیاری از فیلم‌هایشان مطرح کنند؛ از فیلم‌های قدیمی کلاسیک مانند «کسدوس»، «سامسون و دلیده» یا «دیوید و بنشیا» گرفته که فلسطین را سرزمینی یهودی می‌داند تا فیلم‌های جدیدتری مانند «ماتریکس» که در آن شهر «زایون» یا همان «صهیون» را به عنوان ازمانشهر صهیونیستی به تصویر می‌کشد و یا فیلم «جنگ جهانی Z» که تنها شهر سالم و امن را اورشلیم معرفی می‌کند که در آن یهودیان زندگی می‌کنند. در بسیاری از فیلم‌های جدیدن ارجاعاتی را می‌بینیم که برخی از آنها روی افراد و برخی دیگر روی اماکنی مانند قدس و مسجدالاقصی تأکید دارد و تلاش می‌کند که به این شهر ماهیت صهیونیستی بخشد.

سیاست سینما در خدمت سیاست‌های صهیونیستی در سال‌های اخیر نسبت

حکمت

حکمت ۲۰۱

همراه هر انسانی دو فرشته است که وی را (از طهارت) محافظت می‌کنند، اما هنگامی که روز مقدر فرا رسد، او را در برابر حوادث رها می‌کنند و (بنابراین) اجل و سرآمد زندگی (که از سوی خداوند تعیین شده) سپری است محافظ و نگهدار.



گفت‌وگوی «جوان» با کارگردان مستند «ابوايست»

به بهانه حضور در جشنواره سینماحقیقت

وطن دوستی «مجید انتظامی» می تواند الگو باشد



جواد محرمی

مستند «ابوايست» ساخته امير محمدي در يازدهمين جشنواره سينماحقيقت که از امروز کار خود را آغاز می‌کند، حضور دارد. ابوايست یک مستند پر تره درباره کسی است که به گردن موسیقي و حتی سینمای کشور دین بزرگی دارد. مجید انتظامی سوزنه این مستند است و مستندساز کوشیده از زوایای مختلف بخشی از زندگی هنری او را بکاود و به آن نزدیک شود.

چرا مجید انتظامی را به عنوان سوزه یک مستند

پر تره انتخاب کردید؟

اول اینکه متقدم مجید انتظامی به نسبت دیگر رهبران ارکستر و اساتید موسیقی در کشور چهره شناخته‌شده‌تری برای مردم محسوب می‌شود. ایشان جزو مشهورترین سازندگان موسیقی فیلم در کشور هستند و از این منظر با حوزه سینما هم ارتباط پیدا می‌کنند، چون موسیقی تعدادی از ماندگارترین آثار سینمایی را ایشان ساخته‌اند؛ موسیقی‌هایی که در متن و بطن جامعه رسوخ کرد و مردم زیاد آن را شنیده و با آن ارتباط برقرار کرده‌اند. و حوش پنج سال پیش با این مجید انتظامی سر یکی از کلاس‌های ایشان آشنا شدم و شخصیت ایشان برای من خیلی جذاب و منحصر به فرد به نظر آمد، پیش از آن این ذهنیت برای من وجود داشت که شاید ایشان به واسطه پدرشان توانسته‌اند جایگاهی برای خود در عرصه هنر ایجاد کنند و نام ایشان در ذهن من زیر سایه پدرشان قرار داشت، اما وقتی با استاد از نزدیک آشنا شدم، متوجه شدم که موفقیتهای ایشان متکی به تلاش و پشتکار خودشان به‌دست آمده است. شخصیت خاص و خودساخته ایشان برگرفته از سبک زندگی و رنج‌ها و سختی‌هایی که متحمل شده‌اند، ایجاد شده و در مسیر کار هنری ایشان این سیر تأثیر گذار بوده است. نکته دیگری اینکه مجید انتظامی در موسیقی پس از انقلاب ایران تأثیر غیرقابل انکاری دارد و اگر ایشان نبودند، موسیقی ایران به‌طور قطع چندپله از این چیزی که هست، عقب‌تر بود. در واقع موسیقی جامعه چیزی کم داشت.

چرا نام ابوايست را بر مستند گذاشتید؟

این تلقی در اغلب موسیقیدان‌ها وجود دارد که می‌گویند هر موسیقیدانی به لحاظ شخصیتی شبیه همان سازی می‌شود که آن را می‌نوازد. در واقع به مرور آن آدم، شخصیت ساز را به خود می‌گیرد، ابوا بر گرفته از ساز سرنای ایرانی ساخته شده‌است و مسلمانان، زندگی در کنار اسرائیلی‌ها و تحت لوای اسرائیل تبلیغ می‌شود، حمایت می‌کنند.

بن سلمان خریدار نقاشی داوینچی که هفته پیش در نیویورک ۴۵۰ میلیون دلار فروخته شد

خرید رومی قاتل کودکان یمنی



فرزین ماندگار

روح لطیف قاتل کودکان یمنی متجر به این شده که ۴۵۰ میلیون دلار برای خرید یک تابلوی نقاشی اختصاصی باید. یکی از طنزهای روزگار معاصر ما این است که شاه جوان و بی‌تجربه سعودی که مدعی مبارزه با فساد اقتصادی است، در کنار همه بی‌سودی‌هایش در کشورداری و عرصه سیاست به آثار هنری و خرید آنها علاقه‌نشان بدهد و گران‌ترین خرید هنری تاریخ جهان را به خود اختصاص بدهد. فکرش را بکنید به جز محمد بن سلمان کدام بیمار روان پریش دیگری می‌توانست به یک تابلو که تنها «منسوب» به یک نقاش بزرگ غربی است و انتساب به آن قطعی هم نیست، ۴۵۰ میلیون دلار پول بی‌زبان اختصاص دهد. وقتی یک طرف ماجرا غرب باشد و طرف دیگر شاه بی‌هنر یک خاندان بی‌هویت اینکه کلاخ را رنگ کنی و به قیمت یک قناری که نه به قیمت هزار قناری بفروشی کار زیاد سختی هم نیست. وقتی ثروت عظیم شبهه‌چیزه عربستان دهه‌ها در اختیار یک خاندان بی‌کفایت قرار بگیرد، نه تنها آن را به زیان مردم همان منطقه هزینه می‌شود، بلکه آن را در خدمت دشمنان همان مردم به کار می‌برند. همین حالا بخش قابل توجهی از تابلوهای نقاشان و هنرمندان غربی در موزه هنرهای زیبای ایران نگهدای می‌شود. مجموعه‌ای که از آن به عنوان گنجینه یاد می‌شود. این گنجینه پیش از انقلاب با پول مردم ایران از سوی خاندان پهلوی به قیمت‌های گزافی خریداری شده‌است تا نوعی بخشی از ثروت مردم ایران در خدمت رونق هنر و اقتصاد غربی‌ها قرار بگیرد. نوعی خوش خدمتی که

کتاب

«شاخ دماغی‌ها» برای نوجوانان خواندنی شد

رمان نوجوان «شاخ دماغی‌ها» اثر سیده عدرا موسوی از سوی نشر شهرستان ادب منتشر شد.

رمان «شاخ دماغی‌ها»، نخستین محصول «مدرسه رمان» شهرستان ادب است سیده عدرا موسوی برای گروه سنی نوجوان منتشر شد.

کتاب پیشین سیده‌عدرا موسوی با عنوان «جشن باغ صدری» مجموعه‌داستانی بود که توانست نظر جمعی بسیاری از منتقدان و مخاطبان جدی ادبیات را به خود جلب کند و توقع‌ها را از این بانوی جوان نویسنده بالا ببرد. «شاخ‌دماغی‌ها» در ۱۸۴ صفحه و ۲۳ فصل، داستان دختر نوجوانی را روایت می‌کند که پدر و مادرش برای درمان به خارج از کشور می‌روند و او ناچار است مدتی را در خانه گذاشتن سر کند. در آنجا پسر نوجوانی هم زندگی می‌کند که ناچار است اناقش را طی این مدت در اختیار دختر خاله خود بگذارد و از این مسئله اصل‌آل خوشی ندارد. به علاوه او دختر خاله را مزاحم کار‌های مخفیانه خود می‌داند. بدین ترتیب جنگی پنهانی میان این دو درمی‌گیرد که نتایج پیش‌بینی نشده‌ای برایشان به بار می‌آورد.

در بخشی از این رمان می‌خوانیم: «دو روز از آمدن نیلوفر نگذشته بود و من گند زده بودم. حالا سلب مامان و بابا می‌آمدند و نیلوفر مثل مأمور کلاتری همه چیز را می‌گذاشت کف دست‌شان. از این بشر هیچی بعید نبود. لابد برای خودسیرینی چهار تا هم می‌گذاشت رویش و تجویل‌شان می‌داد. دیگر چی بدتر از این می‌شد؟» ماجرای این رمان اجتماعی در دوران معاصر می‌گذرد. موسوی، نویسنده داستان، این کتاب را در مدرسه رمان، مدرسه آموزشی مؤسسه فرهنگی شهرستان ادب نگاشته است. این نخستین رمانی است که به قلم نویسندگان این مدرسه منتشر می‌شود. «شاخ دماغی‌ها» در شمارگان یک‌هزار نسخه و با قیمت ۱۴ هزار تومان به بازار نشر عرضه شده است.

آخرین آمار فروش فیلم‌های سینمایی

کمدی‌ها همچنان می‌فروشند

۸۸۶ میلیون تومان رسید. اکران فیلم سینمایی «ملی و راه‌های نرفتماش» در شهرستان‌ها همچنان ادامه دارد و فروش فیلم به رقم ۲ میلیارد و ۱۰۲ میلیون تومان رسید. حبیب اسماعیلی، مدیرعامل دفتر بخش رسانه فیلمسازان مولود درباره فروش فیلم‌های این دفتر گفت: فروش فیلم «غیرمجاز» به رقم ۲۲۰ میلیون تومان رسید و فروش فیلم «وقتی برگشتم» به ۱۲۰ میلیون تومان دست یافت.

اسماعیلی در ادامه تأکید کرد: فیلم‌های این دفتر پتانسیل خوبی برای فروش دارند، اما متأسفانه سینما در اختیار این فیلم‌ها قرار نمی‌گیرد. علی سرتیپی، مدیرعامل دفتر بخش فیلمبرمان درباره فروش فیلم‌های این دفتر گفت: فیلم سینمایی «قاتل اهلی» به فروش یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان رسیده است. همايون امکانيان، مدير عامل دفتر بخش نيسکان فيلم درباره فروش فيلم‌های اين دفتر گفت: فيلم سينمايي «آذر» بدون تيلينيات تلوزيوني به فروش ۲۵۰ميليون تومان رسيد و فيلم سينمايي «شکلاتي» با موضوع کودک و نوجوان به فروش ۱۵۰ ميليون تومان دست يافت. محمد جواد مستهر، مدير روابط عمومي فيلم انيميشن «فهرست مقدس» فروش فيلم را که توسط رسانه اوج بخش می‌شود ۱۲ ميليون تومان طرف روز اعلام کرد. بنابر این گزارش، براساس سيستم مکانيزه فيلم «تروا» به فروش ۹۲ ميليون و ۱۲۳ هزار تومان، فيلم «آراد به قيد شرط» به فروش ۲۵۸ ميليون و ۲۷۵ هزار تومان، «آينه بقل» ۵۳۳ميليون و ۱۸۷ هزار تومان، فيلم «قهرمانان کوچک» به فروش ۳ ميليارد و ۳۱۹ ميليون و ۲۶۲ هزار تومان، فيلم «خالخور» به فروش ۳ ميليارد و ۳۹۹ ميليون و ۷۲۲ هزار تومان و «خفه گی» به فروش ۳ ميليارد و ۸۹۹ ميليون و ۴۲۵ هزار تومان رسيد.

^[1] ۸۸۶ میلیون تومان رسید

^[2] ۸۸۶ میلیون تومان رسید